

## واقعیت ایران را بپذیرید!

منطق قدرت این اجازه را به مقامات آمریکا و اروپا می‌دهد که هر آن گونه که بخواهند سخن بگویند، و هر کشوری را که بخواهند تهدیدی برای جهانیان اعلام کنند؛ و این چنین است که ایران به عنوان تهدیدی بین‌المللی معرفی می‌شود و به قول کالین پاول به راهی می‌رود که عراق سال ۲۰۰۳ می‌رفت!

از نیم قرن پیش تا به امروز آمریکا نشان داده است که هر نوع دولت ملی را در ایران یک تهدید برای منافع خود می‌داند، منافعی که همه سرزمین‌ها را تحت پوشش خود گرفته است! آمریکا با طراحی و حمایت از کودتای ضد مردمی زاهدی در سال ۱۳۳۲ نشان داد که هیچ وقت راضی به توسعه و رشد ایرانیان نیست؛ و تنها در شرایطی مهر و رأفت! دولت آمریکا متوجه ایران می‌شود که نظامی استبدادی بر ایران و مردمانش حاکم باشد و منافع آمریکا را بی‌توجه به سرنوشت نسل‌های ایرانی تأمین نماید؛ در چنین شرایطی ایران می‌شود جزیره ثبات و متحد استراتژیک غرب، که حتی باید زمینه تجهیز آن را به سلاح‌های هسته‌ای فراهم نمود، تا بتواند در نقش یک ژاندارم منطقه‌ای برای دولت آمریکا نقش‌آفرینی کند. در غیر این صورت، یعنی اگر در ایران دولتی ملی شکل بگیرد باید منتظر خشونت بی‌پایان و تحریمی ابدی باشیم؛ کودتا، ۲۵ سال حمایت از رژیم ضد مردمی، ۸ سال جنگ، ترور، سه دهه تحریم، صدها پرونده توطئه و ظلمی که آمریکا در طول نیم قرن گذشته بخصوص بعد از انقلاب ۵۷ علیه ملت ایران طراحی و اجرا کرده است، شاهی روشن بر این مدعاست.

**فشارهای اخیر آمریکا در جهت منع استفاده ایران از فناوری هسته‌ای، امتداد تلاش‌هایی است که**

**دولت آمریکا علیه شکل‌گیری یک جامعه توسعه یافته و مستقل از نیم قرن پیش شروع کرده.**

عجیب نیست که آمریکا و اروپا مخالف دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای باشند، آنان اگر می‌توانستند اجازه استخراج نفت را هم به ایرانیان نمی‌دادند، چنان که مخالف ملی شدن نفت ایران بودند و این پایمردی ملت ایران و تلاش‌های دولت ملی دکنتر مصدق بود که دست شرکت‌های استعماری انگلیس و آمریکا را از این ثروت ملی کوتاه کرد.

اکنون این پرسش مطرح است که آیا آمریکا واقعا می‌تواند اراده خود را به ایران تحمیل نمایند. در پاسخ باید گفت که اگر ایرانیان مقهور اراده و اختیار دولت ایالات متحده آمریکا بودند و به میل و خواست این ابرقدرت رفتار می‌کردند، اکنون نیز همانند سال ۵۶، همچنان باید از ایران به عنوان متحد استراتژیک آمریکا و اسرائیل در منطقه سخن می‌گفتیم!

جامعه بزرگ ایرانیان در طول سه دهه گذشته نشان داده‌اند که تحت هیچ شرایطی حاضر به پذیرش اراده سلطه‌جویانه قدرتهای خارجی نیستند، انقلاب ۵۷، بعنوان حرکتی خلاف منافع آمریکا در منطقه، آغاز راهی بود که ایرانیان به سوی

زندگی پر عزت و افتخار و بر اساس منافع ملی خود گشوده‌اند و در این مسیر آن مقدار هزینه داده‌اند و تعهد سپرده‌اند که دیگر نمی‌توانند از این مسیر بازگردند؛ اکنون جامعه ما بیش از هر زمان دیگری به آگاهی و رشد برای دفاع از منافع خود رسیده است و هیچ یک از ایرانیان راضی نیستند که محدودیتی در مورد بهره‌برداری صلح‌آمیز شان از فناوری هسته‌ای پذیرفته شود.

مقایسه ایران با عراق نهایت کج‌فهمی است که از سوی سیاست‌مداران آمریکایی و اروپایی صورت می‌گیرد و آنان را دچار این توهم می‌کند که در برخورد با ایران به راهی بروند که در عراق رفتند؛ اختلافات داخلی در ایران که توسط رسانه‌های غربی بزرگ و بزرگتر جلوه داده می‌شود احتمالاً بخشی از دلایل توهم ایشان در برخورد متهورانه با ایران باشد؛ آنان تصویری عمیقاً بحرانی از کشور ایران دارند و این تصویر مغشوش به ایشان این جرأت را می‌دهد که خارج از چارچوب‌های رسمی و احترام متقابل با ایران سخن بگویند. شاید لازم باشد که به ایشان تذکر دهیم که صداهایی که از ایران به گوش‌تان می‌رسد صداهای یک آتشفشان است که آماده جوشش و سیلان می‌شود؛

همه اختلافات موجود در ایران حاصل پیچیدگی، چند سویه‌گی و عمق تمدنی و فرهنگی این کشور است که در کنار اهدافی به بلندای تاریخ این سرزمین موجبات تنوع و تکثر در نگاه‌ها می‌گردد. با این همه نباید تردید کرد که چالش نگاه‌ها و نگرش‌ها در ایران امروز مانع از نگاه؛ توجه و اهتمام ایرانیان به منافع ملی و تعهد به فرزندانشان نخواهد بود. پذیرش محدودیت در استفاده از فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای چیزی نیست که ایرانیان با همه تنوع و تکثرشان راضی به پذیرش آن باشند. چرا که همه هزینه‌هایی که توسط آنان در طول یک‌صدسال گذشته پرداخت شده است برای فرار از محدودیت‌هایی این چنینی بوده است و همچنین خلاف تعهد اخلاقی است که به گذشته‌گان و آینده‌گان این اقلیم سپرده‌اند. مردم ایران چیزی جز زندگی با عزت و احترام و توأم با عدالت را برای خود و دیگر ملت‌ها نمی‌خواهند، عشق عمیق آنان به این زندگی روز به روز پررنگ‌تر و استوارتر می‌شود. آنگونه که هیچ مانعی نمی‌تواند در برابر آن برای همیشه مقاومت کند. توقع مردم ایران از دولت آمریکا این است که با واقع‌بینی و آینده‌نگری بیشتری به ایران نگاه کند؛ واقعیت ایران را بپذیرند و با آن تعاملی عقلانی بورزند؛ چون ایران واقعیتی است که از گذشته تا آینده را فرا گرفته است؛ لجاجت در مقابل این واقعیت تنها ثمره‌اش شکست خواهد بود.

**ایرانیان اکنون قوی‌تر از هر زمان دیگری در تاریخشان به زندگی و افق‌های روشن آینده دل بسته‌اند.**

**همه ایرانیان موحد با هم ، قوی ، محکم ، استوار ، باایمان و اتکا به یگانه  
آفریننده هستی در راه اقتدار و استقلال میهن عزیزمان ایران گام بر میداریم.**